



گونه وثایق (اگر به تملیک بانک‌ها در آیند) آنها را مجدداً درگیر مسایل مالکیت و اداره شرکت‌های جدید می‌نماید. اقتصاددانان می‌گویند (وقاعدتاً بسیاری از غیر اقتصاددانان هم بایستی در این سال‌ها به این باور رسیده باشند) که مسایل اقتصادی راه حل‌های اقتصادی می‌خواهد، اگر روش‌هایی اندیشیده شود که ریسک ناشی از محیط فعالیت اقتصادی را کاهش دهد، یعنی اطلاعات شفاف‌تر و گردش آن صحیح‌تر شود، دسترسی به اطلاعات آسان‌تر گردد، قوانین و مقررات مطابق مقتضیات روز اصلاح شوند و از تغییر دایمی و مداوم آنها خودداری شود، روش‌های بازرسی و ارزیابی فعالیت در سیستم بانکی اصلاح شود و بانک‌ها نه به عنوان مؤسسات خیره یا گاو صندوق دولت و در قالب یک اداره بزرگ دولتی با

شعبی که نام‌های متفاوتی دارند، بلکه در جایگاه واقعی خود و به عنوان بنگاه‌های اقتصادی و مالی و رقیب یکدیگر دیده شوند، مطمئناً این مؤسسات مالی خود بیش از هر مقام دیگری تمایل به ساده‌سازی روش‌های اعطای تسهیلات خواهند داشت و بهترین نوع وثایق را که بتواند همزمان منافع بانک را در کنار رضایت مشتری تأمین نماید، خواهند یافت و دیگر نیازی به قانون و بخشنامه و تهدید به استیضاح مدیران بانک‌ها در صحن مجلس نخواهد بود.

به یاد داشته باشیم که ممکن است بتوان با اعمال زور از کسی پول گرفت، اما نام این عمل دیگر قرض گرفتن نخواهد بود.

دکتر صحرایان، رییس کمیته پژوهشی جمعیت تولیدگرایان:

## ضعف اصلی، در دولتی بودن نظام بانکی است

● جناب دکتر صحرایان، با توجه به اینکه به طور اصولی شما باید مدافع نظام و عناصر تولیدی باشید، بفرمایید که آیا به طور کلی، تولیدکنندگان بخش واقعی اقتصاد، از عملکرد نظام بانکی راضی هستند؟

○ در طول سه دهه گذشته، نظام بانکی ما یک کاراکتر غیرتولیدی داشته است و بانک‌مركزی با اتخاذ سیاست‌های نامناسب در طول برنامه اول و دوم توسعه، به جای اینکه در خدمت تولید باشد، در جهت رونق تجارت وارداتی حرکت کرده است. معضلات و پیچیدگی‌های غیرضروری که بانک مرکزی فرآوری بخش صنعت قرار داده، باعث شده است که طی سال‌های ۷۸-۱۳۷۴ نرخ تشکیل سرمایه ثابت بخش خصوصی صنعت به ۷/۸ درصد برسد. این سیاست ضدتولید موجب گسترش بیکاری، مزمن شدن نرخ تورم و گسترش واردات شده و توزیع ناعادلانه امکانات هم باعث شده است که فقر در جامعه گسترش یابد. از مصادیق بارز این سیاست ضدتولیدی، باید به بخشنامه مابه‌التفاوت نرخ ارز و هم چنین، صدور بخشنامه تنبیه پلکانی مدیران صنایع اشاره کرد.

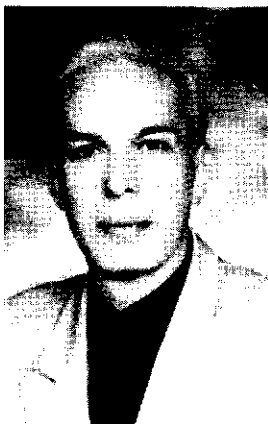
آنچه مسلم است، بانک مرکزی مطابق با اساسنامه خود موظف است که سیاست‌های پولی و مالی را در

جهت شکوفا کردن اقتصاد ملی اتخاذ کند، اما ما عملاً می‌بینیم که متأسفانه، نقش واقعی خود را به فراموشی سپرده است. از این رو، در برنامه اول و دوم توسعه از مجموع ۱۹۲ میلیارد دلار واردات کشور، فقط ۶/۸ میلیارد دلار تحت نظارت وزارت صنایع به بخش صنعت تخصیص داده شده که از این رقم ۳/۸ میلیارد دلار به بخش خصوصی اختصاص یافته و قسمت اعظم آن در قالب فاینانس و یوزانس و غیره بوده است.

از سوی دیگر، سرانه سرمایه‌گذاری جمعیت کشور طی ۱۰ سال گذشته، حدود ۱۹۱ دلار بوده که اصلاً متناسب با نرخ رشد جمعیت و نیازهای کشور نیست.

● نقاط ضعف سیستم بانکی در راستای تجهیز منابع مور نیاز تولیدکنندگان چه بوده است؟

○ ضعف اصلی، بنگاه‌های اقتصادی در دولتی بودن نظام بانکی است که نگرش دولتی به اقتصاد دارد. بنابر آمارها، مبلغ ۱۲ هزار میلیارد تومان میزان بدهی دولت به نظام بانکی است که از این میزان ۷ هزار میلیارد تومان را عموماً شرکت‌های دولتی زیان ده و باقی این رقم را دولت دریافت کرده است. وقتی نظام بانکی فاقد وجوه لازم برای سرمایه‌گذاری شود، دیگر پولی ندارد که به بخش خصوصی یا بخش‌های تولیدی تزریق کند، در حالی که اگر نظام بانکی خصوصی بود، به جای توجه به



▲ دکتر صحرایان: قانون جدید، حرف تازه‌ای برای تولیدکننده یا کارخانه‌دار ندارد.



○ قانون جدید حرف تازه‌ای برای تولیدکننده یا کارخانه‌دار ندارد و باید گفت که قانون در قانون تصویب شده است، زیرا این قانون سابقاً هم وجود داشته، ولی نظام بانکی طی دو دهه گذشته از اجرای آن عدول کرده است.

به نظر من، این ناتوانی سیستم بانکی ما است که نمی‌تواند ارزیابی کارشناسی کند تا معلوم شود که آیا طرح کارخانه‌ای که تقاضای اعتبار کرده، توجیه اقتصادی دارد یا خیر؟ آیا این تقاضای توان بازپرداخت بدهی‌اش را دارد یا خیر؟ لذا آمده‌اند و سند اضافی را بابت وام پرداختی به اشخاص مطرح کرده‌اند. وقتی که یک کارخانه نمی‌تواند دیون خود را بپردازد، اولین کاری که می‌کنند، اقدام به تعطیلی کارخانه است. اینکار سیستم بانکی نیز برخلاف عقلانیت اقتصادی است، چون تعطیلی کارخانه و به زندان انداختن مدیر کارخانه، علاوه بر اینکه موجب عدم وصول دیون بانک می‌شود، همچنین، موجب اخراج گسترده کارگران و بیکاری و کاهش سطح درآمدها و گسترش فقر در جامعه خواهد شد.

به اعتقاد من، نظام بانکی ما، عملکرد پلیسی دارد، یعنی با ضرب و شتم برای دریافت دیون خود، عملاً رئیس کارخانه را فراری می‌دهد و سپس او را ممنوع الخروج می‌کند و توانایی ندارد که در چنین موقعیت‌هایی، راه اصلاحی را در پیش بگیرد و با اصلاح مدیریت، کارخانه را سرپا نگاه دارد و مطالبات خود را هم دریافت کند، لذا به ضرب و شتم متوسل می‌شود، در حالیکه مطابق قانون تجارت و تعهدات بین‌المللی و مقررات ICC، گرفتن سند ملکی اضافی برای وام‌هایی که بانک در اختیار شرکت‌های تولیدی قرار می‌دهد، مورد نیاز نیست.

● فکر می‌کنید که انگیزه تصویب این قانون توسط قانونگذاران چه بوده است؟

○ نمایندگان مجلس خود به خوبی به وضعیت بیکاری گسترده‌ای که در شهرستان‌ها وجود دارد، واقف هستند. اخیراً در سمیناری که در استان فارس برگزار گردید، معلوم شد که بیش از دویست کارخانه توسط نظام بانکی تعطیل شده است و بانک‌ها براساس همین مقررات هزاران مدیر صنعتی را ممنوع الخروج کرده‌اند و از همه بدتر آنکه، اگر مدیرعامل بنابر شرایطی باید برای قراردادی به خارج از کشور می‌رفته، همسر او را هم که هیچ نقشی در امور نداشته، ممنوع الخروج کرده‌اند! در واقع، با این گونه واکنش‌ها، صنعتگری که سرمایه‌گذاری کرده تا اشتغال ایجاد کند، زندگی خصوصی‌اش را هم به باد داده است و این روش‌ها به دور از انصاف است.

● با توجه به سخنان شما، در واقع، این قانون، تغییر و تحول تازه‌ای را برای تولیدکنندگان به ارمغان نیاورده است؟

○ چرا، با این قانون یک قطره از حقوق حقیقی یک

بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها، توجیه پذیری اقتصادی طرح را در مدنظر قرار می‌داد و اعتبارات را در اختیار این پروژه‌ها می‌گذاشت.

اشکال بعدی، نگرش حاکم بر نظام بانکی کشور است که یک نگرش غیرتولیدی است. بر کسی پوشیده نیست که مدیریت بانک مرکزی سال‌هاست که تغییر نکرده و همان نگرش تئوریک سابق وجود دارد و با همین نگاه به بخش‌های تولیدی پرداخته که البته باید گفت که این مشکل فقط مربوط به بخش صنعت نبوده و بخش کشاورزی هم دور از این مشکلات نیست، چنانکه میزان سرمایه‌گذاری یا نرخ تشکیل سرمایه ثابت در بخش کشاورزی کمتر از ۱/۶ درصد بوده است و این رقم هم به هیچ عنوان با نیازهای نرخ رشد جمعیت کشور همخوانی ندارد.

● اخیراً، قانونی تصویب شده است مبنی بر اینکه متقاضیان تسهیلات بانکی ملزم نیستند که حتماً در قبال دریافت تسهیلات از بانک‌ها، وثیقه ملکی ارائه کنند. اما به نظر مدیران سیستم بانکی، این قانون گرچه کار متقاضیان تسهیلات را روان می‌کند، ولی بانک‌ها را با مشکلات ناشی از ریسک اعتباری و ریسک عدم پرداخت دیون مواجه خواهد کرد. نظر شما درباره این دیدگاه چیست؟

○ به طور کلی، در بخش اقتصاد، قوانین مدونی وجود دارد که روند فعالیت‌های اقتصادی در جهان را هدایت می‌کند. نظام تجارت جهانی و هم چنین اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC) هر یک قوانینی دارند که بر آن اساس، محدوده مسوولیت سهامداران و مدیران شرکت‌ها را نسبت به دارایی‌ها مشخص می‌کنند و بانک‌ها هم براساس بررسی کارشناسی در مورد دارایی‌های شرکت‌ها، تسهیلاتی را در اختیار آنها قرار می‌دهند. این مقررات در حال حاضر در تمام دنیا پذیرفته شده است، اما در کشور ما متأسفانه، قوانین سلیقه‌ای در بخش اقتصاد اعمال می‌شود، به طوریکه می‌بینیم، نظام بانکی ما طی دو دهه گذشته، از این وظیفه عدول کرده و بنگاه‌های اقتصادی را به شرکت‌های فردی تبدیل کرده که تمام مسوولیت آن برای کلیه فعالیت‌ها و دیونی که شرکت ایجاد می‌کند، بر عهده مدیر عامل یا هیأت مدیره شرکت است، در حالیکه در تاریخ مشخص شده است که مسوولیت یک شرکت تولیدی سهامی خاص یا عام معطوف به اموال و املاک آن است، یعنی با ارزیابی کارشناسان، باید سند کارخانه به گرو گرفته شود و بعد اعتبار به صاحبان آن پرداخت گردد، ولی متأسفانه در کشور ما قانون براساس ترم جهانی خود اجرا نمی‌شود و قوانین سلیقه‌ای حاکم هستند. پس با این وضعیت بهتر است که بانک مرکزی خود بخشنامه‌ای صادر کند و رسماً بگوید که قانون تجارت را قبول ندارد و مشکل مبادلات ملی را خود به عهده گیرد.

● حالا فکر می‌کنید که این قانون چه آثار مثبتی برای صاحبان صنایع و تولیدکنندگان خواهد داشت؟

○ طبعی ده سال گذشته، سرمایه‌گذاری صنعتی کشور حدود ۱۹۱ دلار بسوده که اصلاً با نرخ رشد جمعیت و نیازهای کشور متناسب نیست.

○ چنانچه مسوولان بانک‌ها متوجه شوند که طرح‌های فاقد توجیه اقتصادی است، حق اعطای وام به آن را ندارند.



صنعتگر را که طبق قانون تجارت دارا بود و ما اجرا نمی‌کردیم، به او پس داده‌ایم.

● برخی از مسوولان سیستم بانکی در ضمن صحبت راجع به دریافت وثیقه ملکی از تولیدکنندگان می‌گویند که اصراری به دریافت وثیقه ملکی از صاحبان صنایع ندارند و اگر در مواردی این وثیقه دریافت می‌شود، با رضایت فرد و برای پوشش ریسکی است که بانک در مورد طرح آنها در نظر می‌گیرد. اما چنانکه بانک در بررسی کارشناسی تشخیص دهد که تولیدکننده مزبور حایز دریافت تسهیلات نیست، اما فرد متقاضی در مورد دریافت اعتبار اصرار بورزد، نظر شما چیست؟

○ اگر چنانچه مسوولان بانک متوجه شوند که طرحی فاقد توجیه اقتصادی است، حق اعطای وام به آن را ندارند، چون پولی که بانک در اختیار سرمایه‌گذار قرار می‌دهد، پول امانی مردم است و آنها حق پرداخت آن را به چنین طرح‌های ندارند. این اقدام بانک‌ها، برمی‌گردد به هیأتی بودن مدیریت و ناتوانی و نقصانی که بر نظام بانکی کشور حاکم است. همین اقدام آنها راه سوءاستفاده افراد را هموار می‌سازد.

● منظور ظاهری این قانون، عدم الزام گیرندگان تسهیلات به سپردن وثیقه ملکی است، ولی در آخر همین قانون باز هم بر مسوولیت نهایی بانک‌ها در قبال بازپرداخت اصل تسهیلات اعطایی و سود آن تأکید شده است. آیا به طور کلی، این نوع قانونگذاری را می‌توان یک حرکت فنی با کارایی مطلوب ارزیابی کرد؟

○ اما به طور کلی، در کشور ما قوانین و مقرراتی که در مناسبات تولید و سالم‌سازی فعالیت‌های اقتصادی نقش دارند، بیشتر به شوخی اقتصادی شبیه هستند، در حالی که ما باید قانون منسجم و شفاف داشته باشیم تا تمام جوانب را در نظر بگیرد و در این راستا، اعتبارات تزریق شود تا بخش تولید رشد کند. پس به نظر می‌رسد که این راهکارها زودگذر و برای سرگرم شدن است.

● بسیاری از صاحبان صنایع در گفتگو با نشریات از نحوه ارایه تسهیلات از سوی سیستم بانکی اظهار نارضایتی می‌کنند. از طرف دیگر، دست‌اندرکاران بانکی نیز معتقدند که بسیاری از صاحبان صنایع کوچک یا بزرگ، به سیستم بانکی بدهکارند و تقاضای تسهیلات مجدد می‌کنند، و لذا می‌گویند که ما نمی‌توانیم ریسک پرداخت تسهیلات مجدد به این افراد را بپذیریم. نظر شما در این ارتباط چیست؟

○ یکی از مشکلات ما در دهه گذشته این بوده که تمام سیستم کارشناسی کشور به هم ریخته، به طوریکه در گذشته اگر مدیر کارخانهای می‌خواست وامی را برای اجرای طرح خود بگیرد، حتماً لازم بود که تخصص لازم را داشته باشد، اما متأسفانه بانک‌ها طی سال‌های گذشته به این عامل مهم در ارایه تسهیلات کم توجهی کردند، به طوری که به بسیاری از افرادی که سواد و تخصص لازم

برای اجرای طرحی را نداشتند، وام اعطا شد و نتیجه این است که امروز از بین مدیران ۹۲۶ واحد از صنایع کوچک، ۲۰ درصد آنها اصلاً سواد ندارند، آنهم در بخش مدیریتی که روز به روز اهمیت بیشتری می‌یابد. فلسفه اعتقادی این آقایان دست‌اندرکار نیز این بود که "مدیریت، امری ذاتی است و نیازی به تخصص مربوط به آن ندارد!" مشکل بعدی موجود در نظام بانکی کشور، برقراری تبصره‌های تکلیفی بود. تبصره‌های تکلیفی اصل رقابت را از بین برد و موجب شد که اعمال نفوذ افراد ذینفوذ در جهت دسترسی به تسهیلات افزایش یابد و بسیاری از واحدهایی که از راه وام تبصره‌های تکلیفی احداث شدند، فاقد توجیه اقتصادی بودند و چون شرط تخصص هم از شرایط اعطای وام حذف شده بود، لذا از پروژه‌های مشمول دریافت وام واحدهایی بوجود آمدند که بدون مدیریت علمی اداره می‌شوند و زیان‌های انباشته دارند و بدین ترتیب است که بسیاری از شرکت‌های دولتی سال‌هاست با زیان انباشته روبرو هستند و باز هم وام دریافت می‌کنند، در حالیکه این وام‌ها باید در اختیار واحدهایی از بخش خصوصی قرار می‌گرفت که بتوانند واحدهای پویا و فعال، با مدیریت علمی و با ارایه کیفیت کالا و دسترسی به بازارهای بین‌المللی را ایجاد کنند.

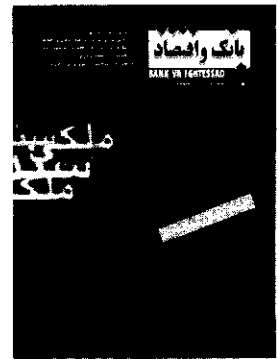
اما به طور کلی، اینکه شرکت یا کارخانه‌ای به بانک بدهکار باشد، امری طبیعی است و در همه جای دنیا این روال وجود دارد. در واقع، در فرهنگ عمومی، یک صنعتگر خوب کسی است که از طریق پول بانک کارخانه خود را توسعه بدهد، نه اینکه صددرصد سرمایه از خود کارخانه‌دار باشد. در تمام دنیا هم شرکت‌های بزرگی وجود دارند که بیلان‌های خوبی دارند و در کار خود موفقند، اما بدون استثنا به بانک‌ها بدهکارند، لذا نباید انتظار داشت که تولیدکننده تمام سرمایه طرح خود را بیاورد، چون این کار از نظر فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی کار غلطی است. در واقع، سیستم بانکی نیز وظیفه دارد که در بخش تولیدی یا کارخانه‌ای سرمایه‌گذاری‌هایی بکند که سودآور باشد.

● چه کار باید کرد تا سیستم بانکی و صاحبان صنایع از ارتباط صحیحی با یکدیگر برخوردار باشند و در کنار هم باشند نه در مقابل هم، تا هم تولیدکنندگان بتوانند وظیفه خود را بخوبی ایفا کنند و هم بانک‌ها بتوانند نقش واقعی خود را در اقتصاد کشور داشته باشند؟

○ مشکل اساسی ما در کشور این است که از استراتژی درست برای توسعه صنعت کشور برخوردار نیستیم و نگرشی که به بخش صنعت در کشور اعمال می‌شود، نگرشی قهقرایی است، به طوریکه بسیاری از قوانین و مقرراتی که در خصوص مناسبات تولید در کشور وضع می‌شود، مربوط به قرون وسطا است. این سیر قهقرایی، لطمات زیادی را به اقتصاد و بخش‌های تولیدی ما وارد کرده و تفکر حاکم بر نظام بانکی ما هم تفکر نامناسبی

○ دکتر صحراپیان: متأسفانه در کشور ما، قوانین سلیقه‌ای در بخش اقتصادی اعمال می‌شوند.

○ وقتستی که یک کارخانه نمی‌تواند دیون خود را بپردازد، اولین کاری که می‌کنند، تعطیلی کارخانه است. این کار سیستم بانکی برخلاف عقلانیت اقتصادی است.



است و ما باید به دنبال نگرش خصوصی بر بانک‌ها باشیم. مثلاً واگذاری ۴۹ درصد سهام به مردم و ۵۱ درصد به دولت، نمی‌تواند تغییری را در وضعیت بانک‌ها بوجود آورد، بلکه بحث این است که نگرش مدیریتی تغییر یابد. از طرف دیگر، برخورد سیستم بانکی با سپرده‌گذاری دیوان سالارانه است که در نتیجه این برخورد، سپرده‌گذار مانند آهوئی از بانک ریمیده می‌شود و جذب بازار بخش غیررسمی می‌شود و به سمت فعالیت‌های غیرتولیدی زیرزمینی سوق می‌یابد. در حال حاضر، وقتی صنعتگر وارد نظام بانکی می‌شود، نظام بانکی به او به چشم بدهکار نگاه می‌کند. این وضع در نتیجه سیاست‌های غلطی است که در گذشته اعمال کرده‌ایم.

پس باید نگرش سیستم بانکی نسبت به بخش تولید عوض شود و تولیدگر و تولیدگرا باشد. در این صورت، عوامل ایجاد تقابل بین صنعتگر و نظام بانکی از بین می‌رود.

● بعضی از بانک‌ها گزارش می‌دهند که حدود ۶ درصد از تسهیلات پرداختی‌شان به صورت دیون معوقه در آمده و لذا ناچارند که در برابر ارایه تسهیلات دقت بیشتری بکنند و ضوابطی را در ارتباط با متقاضیان در پیش بگیرند. نظر شما در این باره چیست؟

○ گنه کرد در بلخ آهنگری

به تهران زدند گردن صنعتگری!

مسئولان نظام بانکی بنابه بعضی سفارش‌ها و توصیه‌ها و یا از طریق تبصره‌های تکلیفی ناچار شده‌اند که وام‌هایی را ارایه دهند که قابل برگشت نیست. حالا باید صنعتگران که تمام زندگی خود را در کار خود صرف کرده‌اند، از دریافت تسهیلات محروم باشند؟! این معضل به دلیل دولتی بودن سیستم بانکی است.

بانک مرکزی صندوق ذخیره دولتی و صرافی بزرگ دولت است و دولت برای رفع نیازهای خود و برای تأمین منابع مالی خود از آن استفاده می‌کند، در حالیکه وجوه امانی مردم باید مطابق اساسنامه بانک مرکزی در خدمت رفاه، ایجاد اشتغال و افزایش سطح تولید باشد نه در جلب رضایت افراد توصیه کننده‌ای که ممکن است از افراد سیاسی باشند.

از سوی دیگر، مقررات و روش‌های بازرگانی بانک‌ها در زمینه گشایش اعتبارات بانکی برای مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای بسیار کند است، به طوری که از زمان گشایش اعتبار تا وصول آن، مدت شش تا نه ماه طول می‌کشد و این تأخیر موجب خواب سرمایه تولیدکننده می‌شود و کارخانه بخش خصوصی با انباشت کالای تولیدنشده و تولید شده و نیز کمبود نقدینگی روبرو خواهد شد، در حالیکه این روبه در نقاط مختلف دنیا وجود ندارد. مثلاً اگر بخواهید همین امروز، حواله‌ای را از کوآلامپور به مصر و از مصر به بانک نیویورک بفرستید، بانک کوآلامپور در مدت ۶ دقیقه وصول حواله را

تضمین می‌کند، در حالیکه در ایران، اگر شما چکی را از مشهد به تهران بفرستید، ۲۱ روز طول می‌کشد تا وصول شود! واقعاً باید گفت که این نظام قرون وسطایی هماهنگ با الزامات اقتصادی امروز نیست.

● آیا می‌توان از صحبت‌های شما برداشت کرد که سیستم بانکی ما از شیوه سنتی استفاده می‌کند؟

○ سنتی نه، بلکه قوانین سلیقه‌ای حاکم است و در اثر اجرای این گونه قوانین، مشکلات متعددی برای سیستم بانکی ایجاد شده است. اصلاً نظام بانکی ما نظام بانکی فلجی است که قدرت حرکت ندارد.

● آیا بانک‌های خصوصی می‌توانند تحرکی را در سیستم فعلی بانکی کشور بوجود آورند؟

○ من بانک خصوصی‌ای نمی‌بینم، زیرا بانک مرکزی فقط اسم این موسسات را تغییر داده است. اگر بانک مرکزی واقعاً به این موسسات عنوان بانک را بدهد و آنها را مشمول مقررات بانکی نماید، مسلماً سپرده‌گذاران ترجیح می‌دهند که به این بانک‌ها مراجعه کنند. اما هم اکنون فعالیت بانک‌های خصوصی و موسسات اعتباری در حد صندوق‌های قرض‌الحسنه است. لذا اگر بخواهیم تغییر و تحولی در سیستم بانک بوجود آوریم، باید به این بانک‌ها اجازه داد تا تحت قوانین و مقررات بانکی کشور، اما به صورت آزاد و مستقلانه فعالیت کنند.

● توصیه شما به دست‌اندرکاران سیستم بانکی چیست؟

○ در شرایط فعلی، شاید مدیران بانک‌ها بخواهند کار کنند، ولی "خانه از پای‌بست ویران است" و مقررات حاکم بر سیستم بانکی جلوی حرکت آنها را می‌گیرد. سیستم بانکی باید اصلاح شود و تفکر حاکم بر بانک مرکزی باید اصلاح شود. برخی از مدیران بانک‌ها که با نگاه قهرقارایی به اقتصاد کشور می‌نگرند، بهتر است جای خود را به افراد جوانی بدهند که دلسوزی برای جوانان دارند تا آنها بتوانند فعالیت مؤثری را به عمل آورند.

○ من در کتاب "تولید گریان" هم اشاره کرده‌ام که اگر این وضع ادامه یابد، سال ۸۲ سال سقوط کامل اقتصاد خواهد بود، دلیل آن هم واضح است: از هم اکنون تخلیه روستاها آغاز شده و ۱۲۶ روستای محرومیت زدایی شده که داری آب و برق و جاده آسفالتی بوده‌اند، به دلیل بیکاری جوانان آن تخلیه شده‌اند. از طرفی، می‌بینیم که تعداد زیادی از کارخانه‌ها هم تعطیل شده‌اند.

در هر حال، باید جلوی بحران را بگیریم و در همین ارتباط پیشنهادهایی هم در قالب اصلاح دهگانه اقتصادی در کتاب "ایمن‌سازی" تقدیم مجلس شده است و راهکارهایی هم در کتاب "راه‌نویس سبز" مطرح و تقدیم رییس جمهور شده و امید است که شاهد بهبود و شکوفایی اقتصاد باشیم.

● ضمن تشکر، برای شما موفقیت‌های بیشتری را آرزو مندیم.

○ برخورد سیستم بانکی با سپرده‌گذار، دیوانسالارانه است و سپرده‌گذار هم مانند یک آهسو از بانک ریمیده می‌شود و به سوی فعالیت‌های غیرتولیدی زیرزمینی می‌رود.

○ بانک مرکزی، سیستم دولتی و صرافی بزرگ دولت است و دولت برای رفع نیازهای خود از آن استفاده می‌کند.